

شروع طوفان های آسیب های اجتماعی

افزایش آسیب های اجتماعی از موضوعاتی است که مدت ها زنگ خطر آن به صدا درآمده اما به دلیل اینکه موضوعات اجتماعی در بین مسئولان کمتر مورد ...



سلامت نیز: افزایش آسیب های اجتماعی از موضوعاتی است که مدت ها زنگ خطر آن به صدا درآمده اما به دلیل اینکه موضوعات اجتماعی در بین مسئولان کمتر مورد توجه قرار می گیرد این معضل نیز به حال خود رها شده و کمتر اثری از آن در سیاست های دولت دیده می شود. موضوعی که به گفته کارشناسان ناشی از ناکارآمدی دستگاه هایی چون رفاه و تامین اجتماعی و وزارت ورزش و جوانان است که هر ساله بودجه قابل توجهی را دریافت می کنند اما خروجی عملکرد آنها نه تنها مثبت نیست بلکه هیچ اثر مثبتی نیز بر کم کردن آسیب های اجتماعی ندارد. آسیب هایی که در در اعماق جامعه ریشه دوانده اند و دور نیست زمانی که به فاجعه ای لاینحل تبدیل شوند.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از تهران امروز؛ بحران جمعیت و اشتغال از مهم ترین موضوعاتی است که این روزها به آن پرداخته می شود اما نکته مهم این است با وجودی که زنگ خطر آسیب های اجتماعی چند سالی است در کشورمان به صدا درآمده اما هنوز هیچ سند راهبردی برای این موضوع دیده نشده و وزارتخانه های مدعی در این خصوص نیز مهر سکوت به لب زده و هیچ کارکردی در این باره ندارند. این موضوع در حالی در رگ و پی جامعه ریشه دوانیده که به گفته محمد زاهدی اصل، مددکار اجتماعی «؛ زمانی که در جامعه ای این دو بحران به وجود می آید انواع بسترهای آسیب ساز در جامعه افزایش پیدا می کند و طبیعتاً وقتی فردی در بستری آسیب زا قرار می گیرد و بیکاری و فقر نیز از حد متعارفش می گذرد خروجی این موضوع، انواع آسیب های اجتماعی می شود.»

وی با اشاره به این نکته که شروع توفانی آسیب های اجتماعی مربوط به فروپاشی نهاد خانواده و تجرد گرینی است، می گوید: «؛ در گذشته اگر آسیبی اتفاق می افتاد در مرحله اول خانواده در مقابل آن آسیب ایستادگی می کرد اما در سال های اخیر با فروپاشی نهاد خانواده و افزایش طلاق های عاطفی دیگر خانواده ای هم برای مبارزه اولیه با بخشی از آسیب های اجتماعی نمانده است.» دکتر امان الله قرایی مقدم نیز با اشاره به این نکته که سیاست های غلطی که در جامعه اعمال می شود و عدم توجه به موضوعات اجتماعی باعث بروز آسیب های اجتماعی در کشور شده است، می گوید: «؛ رابطه مستقیمی بین افزایش جرم در جامعه و فقر و بیکاری و تورم وجود دارد و در هر جامعه ای که این معضلات به وجود بیاید به طور قطع شاهد انفجار آسیب های اجتماعی خواهیم بود.»

نگاهی گذرا به قانون اساسی کافی است تا متوجه شویم هیچ خلأ قانونی در خصوص حمایت اجتماعی در کشورمان وجود ندارد و تنها کم کاری و بی توجهی مسئولان باعث بروز این مشکلات شده است. یک بار سازمان عریض و طویل جوانان با بودجه چند میلیاردی تاسیس می شود اما عدم کفایت مسئولان و عدم خروجی برنامه های اجتماعی در این حوزه باعث می شود تا مسئولان عطای این سازمان را به لقایش ببخشند و وزارتخانه ای جدید با نامی دهان پرکن تاسیس کنند تا شاید کم کاری این نهاد از یادها برود اما وزارت ورزش و جوانان نیز تاکنون نتوانسته قدمی در راه حل بحران های اجتماعی پیش روی جوانان بردارد و هر چند وقت یک بار با ارسال ابلاغیه ای خبر از افزایش وام ازدواج به عنوان تنها خروجی این سازمان در حوزه جوانان می دهند که آن هم معمولاً عملی نمی شود.

این در حالی است که در اصل دهم قانون اساسی به نهاد خانواده توجه ویژه ای شده و بر اساس این اصل هم دو تکلیف برای دولت مشخص شده؛ یکی اینکه دولت باید به تشکیل خانواده کمک کند و دیگری کمک به دوام و استحکام خانواده است که ظاهراً مسئولان دولتی در این زمینه نیز همانند بسیاری مسائل دیگر اینقدر ضعیف عمل کرده اند که به جای استحکام خانواده ها شاهد فروپاشی هر چه بیشتر این نهاد در جامعه و افزایش آسیب های اجتماعی هستیم.

محمدی زاهدی اصل در این باره می گوید: «؛ قبل از هر اقدامی، دولت باید نسبت به انجام وظایفش در قبال این دو اصل تلاش کند. چون ما بیشترین مشکلات را در خانواده ها داریم. الان اکثر طلاق ها در 5 سال اول اتفاق می افتد. اما مسئله اساسی اینجاست که دولت هیچ تلاشی برای ورود به این مسئله نمی کند. آیا قرار است که در خانواده ها مشکلات بیشتر از این بیفتد یا طلاق های بیشتری

قرایی‌مقدم نیز با تقسیم معضلات جامعه به دو عامل برون‌زا و درون‌زا گفت: «#171؛ عوامل درون‌زا در به‌وجود آمدن آسیب‌های اجتماعی بیشتر سهمیم هستند این در حالی است که اگر این عوامل که از آنها به عنوان نیروهای بازدارنده نیز نام برده می‌شود بر نیروهای برانگیزنده برتری پیدا کنند شاهد بروز آسیب‌ها در جامعه نخواهیم بود.»

وی با اشاره به یک نمونه از سیاست‌های غلطی که در دولت‌های نهم و دهم روی آن تاکید زیادی شده، می‌گوید: «#171؛ یکی از مسئولان با افتخار از تک‌جنسیتی شدن دانشگاه صحبت می‌کند و به‌دنبال وی نیز تعدادی دیگر از همفکرانش بر این امر صحه می‌گذارند بدون اینکه به تبعات بعدی این تصمیم توجه داشته باشند. چرا باید بین دختران و پسران در دانشگاه جدایی بیندازیم و بعد شاهد بروز مشکلات عدیده دیگری باشیم که در اثر همین جداسازی گریبانگیر خانواده‌ها و دانشجویان و دانشگاه‌ها را می‌گیرد. به گفته وی این مسئولان ادعای تبعیت از امام راحل را دارند اما ظاهراً فراموش کرده‌اند که حضرت امام(ره) در روزهای که صحبت از جدایی دختران و پسران در دانشگاه شد با این موضوع مخالفت کردند.»

کمرنگ شدن وفاق اجتماعی موضوع دیگری است که قرایی‌مقدم به آن اشاره کرده و می‌گوید: «#171؛ مهاجرت زیاد به شهرها باعث شده تا انسجام شهرها از بین برود و این عدم انسجام یکی از عوامل موثر در وقوع آسیب‌های اجتماعی است و افراد در شهرهای بزرگ احساس هم‌رنگی و هم‌نوایی خود را با جامعه از دست می‌دهند و به‌دنبال این موضوع ضعیف شدن ارزش‌های معنوی، رشد خودخواهی و افزایش مشکلات اقتصادی زمینه ساز افزایش آسیب‌های اجتماعی است.» قرایی‌مقدم با اشاره به راهکارهایی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌گوید: «#171؛ راهکارهای بلندمدت و کوتاه‌مدت می‌تواند تاثیر زیادی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی داشته باشد. در راهکارهایی که به عنوان بلند مدت از آنها نام برده می‌شود مسئولان باید به توسعه امکانات و زیرساخت‌های لازم توجه ویژه‌ای نشان دهند تا از روند مهاجرت به شهرهای بزرگ جلوگیری کنند. به گفته وی زمانی که جامعه سالم شود می‌توان به کاهش آسیب‌های اجتماعی امیدوار بود چرا که بر اساس آیات قرآنی هیچ انسانی بد آفریده نشده است.»

90 درصد مردم با مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنند

وی با اشاره به این نکته که 90 درصد مردم به علت افزایش تورم و تهدید افزایش آسیب‌های اجتماعی در دهه اخیر با مشکلات بسیاری مواجه شده‌اند، می‌گوید: با افزایش تورم ثروتمندان، ثروتمندتر و فقیران، فقیرتر شده‌اند به این ترتیب جامعه به دو طبقه دارا و ندار و ثروتمند و فقیر، تقسیم می‌شود. قرایی‌مقدم با تاکید بر آثار منفی تورم بر جامعه می‌گوید: «#171؛ شرایط اقتصادی در دهه اخیر با افزایش تورم و کاهش درآمد، عامل بی‌قیدی مردم، تضعیف اراده، تضعیف باورهای مذهبی، افزایش آسیب‌های اجتماعی، طلاق، فحشا، خودکشی، اعتیاد، تجاوز به ناموس مردم و انواع جرایم و انحراف‌های اجتماعی است.»

قرایی‌مقدم با اشاره به تاثیر اشتغالزایی در کاهش تورم می‌گوید: «#171؛ ایجاد شغل‌های مناسب و اشتغالزایی، درآمدزایی، تولید محصولات داخلی با کیفیت مناسب و بالا، کاهش ورود کالاهای خارجی با حمایت از نظام کار، سرمایه، تولید، پوشاک، تولیدهای داخلی و ایرانی، تقویت فرهنگ و سنت ایرانی عاملی برای کاهش تورم در جامعه است.»

زاهدی‌اصل چندی قبل هم با اشاره به چشم‌اندازهای توسعه‌ای کشور که بر اساس آن باید سازمان‌هایی چون بهزیستی، کمیته امداد و وزارت رفاه عملیات پیشگیرانه انجام دهند، گفته بود: وضع فعلی کشورمان در شأن جمهوری اسلامی نیست. ببینید زمانی که وزارت رفاه بعد از سال‌ها با هزارامید و آرزو راه‌اندازی شد قرار بود که متولی همه این زمینه‌ها باشد؛ خوب است شما این را بدانید که در زمان تشکیل وزارت رفاه، شورایی در راس این وزارتخانه تشکیل شد با عنوان «#171؛ شورای عالی رفاه اجتماعی». من دلم می‌خواهد شما ترکیب این شورای عالی که شورای سیاست‌گذاری است را بدانید که از چه کسانی تشکیل شده است. در این شورا، رئیس‌جمهور، رئیس شورا ست و مابقی اعضای شورا بلا استثنا به دلیل مسئولیت‌شان در آنجا حضور دارند. یعنی از وزیر رفاه بگیرد تا رئیس سازمان بهزیستی و رئیس سازمان تامین اجتماعی و... نکته جالب اینکه در کل اعضای این شورا شما اسم حتی یک کارشناس را هم نمی‌بینید که بر اساس جایگاه علمی و تخصصی‌اش در شورا عضویت داشته باشد.

حتما شما هم با من هم عقیده هستید که در ایران به عنوان کشوری جهان‌سومی مسئولیت‌ها در راستای تخصص‌ها نیست. پس بنابراین در تمام این مدت آن افراد مسئولی که جمع شدند و خواستند در رابطه با رفاه اجتماعی درخصوص گروه‌های آسیب‌پذیر تصمیم بگیرند خروجی این تصمیمات، کارشناسانه نبود یا حداقل با واقعیت‌های جامعه همخوانی نداشت. چون اصلاً قرار نبود در حوزه گروه‌های آسیب‌پذیر، افراد سیاسی تصمیم‌گیری کنند. بنابراین الان به جایی رسیدیم که وزارت رفاه ناکارآمد شد و به خاطر این ناکارآمدی در داخل دستگاه عریض و طویل دیگری به نام وزارت کار ادغام و در حقیقت منحل شد. دوست دارم شما به این موضوع

دقت کنید که وزارت رفاه قرار بود در بخشی از وظایف مهمش عهده دار گروه‌های آسیب‌پذیر باشد ولی در نهایت به دلیل نداشتن نگاه کارشناسانه به روزگاری که نباید دچار می‌شد، دچار شد و این برای ما جای تاسف بسیاری دارد.

بیشتر: سلامت نیوز (تندرستی): سلامت اجتماعی: شروع طوفان های آسیب‌های اجتماعی:::